

از ارج تا هپکو؛ چرا شکست خوردیم؟

خصوصی سازی ما همان تیولداری سابق است

محبوب:

مدیران، راه زندگی با حقوق های پایین را به ما هم یاد بدهند

رئیس فراکسیون کارگری مجلس از بررسی میزان افزایش دستمزد کارگران برای سال آینده در مجلس خبر داد و گفت: هر مدبری که مدعی می شود با این دستمزد می توان زندگی کرد، راه را نشان دهد. ما هم همه دنبال او خواهیم بود.

علیرضا محبوب در گفت و گو با ایلنا درباره اعتراض برخی به درباره حقوق ها و دستمزدهای میلیونی مدیران گفت: مانسبت به دستمزد کسی اعتراض نداریم بلکه به دستمزد های نیروی کار اعتراض داریم. حقوق نیروی کار بسیار کوچک و پایین است.

نماینده تهران در مجلس ادامه داد: درست این است که بررسی شود با چه میزان دستمزد زندگی می توان کرد. هر مدبری که مدعی می شود با این دستمزد می توان زندگی کرد، راه را نشان دهد ما هم همه دنبال او خواهیم بود.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس خاطر نشان کرد: تصور نمی کنم با این دستمزد یا حتی کمی بیشتر بشود در برخی از نقاط مانند شهرهای گرانی مثل تهران زندگی کرد.

وی ادامه داد: این مساله، دغدغه اصلی ما در فراکسیون کارگری است و معتقدم باید دغدغه همه باشد!

محبوب درباره اینکه گفته می شود در سال آینده ۲۰ درصد افزایش حقوق صورت خواهد گرفت، گفت: این افزایش حقوق برای کارمندان دولت، قطعا در تعیین مزد کارگران هم تاثیر گذار است و حتما در شورای عالی کار مطرح خواهد شد.

وی با بیان اینکه کارفرماها قطعا در بحث افزایش حقوق سخت گیرتر و کار دشوارتر خواهد بود، اظهار داشت: به زودی جلسه ای خواهیم گذاشت و محاسباتی را که در فراکسیون کارگری انجام داده ایم، در اختیار دولت و مجلس قرار می دهیم.

سرپرست سازمان تامین اجتماعی:

واریز بسته حمایتی ادامه دارد

سرپرست سازمان تامین اجتماعی با اشاره به اینکه شهرداری تهران ۵۰۰ تا ۲ هزار میلیارد تومان به ما بدهکار است، گفت: بسته حمایتی به افرادی که واجد شرایط بودند اما از قلم افتاده اند، تعلق می گیرد.

به گزارش مهر، محمدحسن زدا با اشاره به اینکه تاکنون به حدود ۱۰ میلیون نفر از بیمه شدگان و بازنشستگان تامین اجتماعی که کمتر از ۳ میلیون تومان دریافت می کردند و سرپرست خانوار نیز بودند، بسته حمایتی ارائه شده، گفت: افراد معترض با داشتن کد ملی خود را ارسال کنند یا می توانند با شماره ۱۴۲۰ تماس بگیرند.

وی گفت: قطعا پیگیری های لازم انجام می شود و چنانچه واجد شرایط باشند، بسته حمایتی به آنها اختصاص پیدا می کند.

سرپرست تامین اجتماعی با اشاره به اینکه تصمیم گیرنده درباره اینکه چه کسانی مشمول بسته حمایتی هستند با تامین اجتماعی نیست، افزود: لیست اولیه ای که استخراج کردیم

۱۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر، افرادی بودند که کمتر از ۳ میلیون تومان دریافتی داشتند که مشمول این بسته می شدند ولی بعد از هم پوشانی به ۶ میلیون و ۱۵۰ هزار نفر این بسته حمایتی پرداخت شد.

زدا با اشاره به اینکه بعضی اعتراضات را پیگیری کردیم، گفت: به عنوان مثال یک شرکت زغال سنگ به دلیل مغایرتی که وجود داشت، ۳۲۰ نفر از افراد واجد شرایط دریافت بسته حمایتی در این شرکت بودند که مبلغ مورد نظر به حسابشان واریز نشده بود که با پیگیری های انجام شده به این تعداد نیز بسته حمایتی تعلق گرفت.

به گفته وی، به محض اینکه ایرادات واریز بسته حمایتی را دریافت کنیم در کمترین زمان ممکن پرداختی های لازم انجام می شود.

وی با تاکید بر اینکه واریز بسته حمایتی ادامه دارد و در مورد های بعدی هم این بسته به واجدین شرایط تعلق خواهد گرفت، گفت: قطعا کسانی که واجد شرایط باشند و از قلم افتاده اند با تامین منابع مالی جبران خواهیم کرد.

وی به بدی شهرداری تهران به تامین اجتماعی اشاره کرد و اظهار داشت: سازمان بیش از ۵۰۰ میلیارد تا ۲۰۰۰ میلیارد تومان از شهرداری تهران طلب دارد و از سوی دیگر شهرداری هم حدود ۲۰ میلیارد تومان از تامین اجتماعی طلبکار است که سلسلوار و اقدامات لازم را برای تسویه مطالبات انجام دهیم.



نسرین هزاره مقدم

کارخانه هایی هستیم که نتوانسته اند با کالاهای خارجی رقابت بکنند و مجبور به انحلال، تعطیلی یا تحمل بحران در تولید شده اند. از ارج و آزمایش گرفته تا هپکو، شکست صنعت را شاهد بوده ایم. به عنوان نمونه، شهر تهران از آنجا که وارد اقتصاد دانش بنیان نشد، در بازه ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ حدود ۳۰۰ هزار شغل از دست داد، در حالی که در همین مدت زمان، ۳۰۰ هزار نفر به جمعیت آن افزوده شده بود. پس مساله اصلی این است که کل اقتصاد ایران باید وارد اقتصاد دانش بنیان شود. اینکه حداقل دستمزد را مانع رشد تلقی کنیم، آدرس غلط دادن است که البته این دست مسائل را پیش از این، در خارج کردن کارگاه های زیر ۵ نفر و ۱۰ نفر از شمول قانون کار در دهه ۷۰ تجربه کردیم و دیدیم که تمهیدات این چنینی هیچ دردی را دوا نمی کند. با وجود خارج کردن آن از شمول قانون کار در دهه ۷۰، در دهه ۸۰ با ورشکستگی های بسیار عظیم مواجه شدیم و در دهه ۹۰ نیز این روند ورشکستگی ادامه یافت. به رغم اینکه تورم و نرخ بالای ارز قاعدتاً باید موجب شود که کالاهای داخلی بتوانند در بازارهای جهانی با کالاهای خارجی رقابت کنند، اما با وجود یک سوم شدن ارزش ریال، این رقابت انتظاری در عمل اتفاق نمی افتد و در همین دوره که دلار سه برابر گران شده، صادرات غیرنفتی فقط ۲۰ درصد افزایش می یابد! پس ما از همان دهه ۷۰ آدرس اشتباه داده ایم و اتفاق نش پیشران توسعه، برعهده دانش است اما اقتصاد ایران هیچ گاه وارد «اقتصاد دانش» نشده، بنابراین پیوسته شاهد ورشکستگی های

هیچ وجه صحیح نیست و کسی که این گونه ببیند، سرش را زیر برف کرده و شکار اقتصادهای پیشرفته خواهد شد، کمالات همین الان هم اقتصاد ایران، شکار شده!

چرا وقتی خودشان می دانند سهم دستمزد در قیمت تمام شده، اندک است، به جای پرداخت به ریشه مشکل، روی کاستن از سهم دستمزد تاکید دارند؟

بخشی از اینها ممکن است دچار بی دانشی باشند و به همان اندازه که کسب و کارشان خرد است، دانش اقتصادی شان هم خرد باشد و بخشی دیگر هم، دنبال منافع رانت جوانه هستند. به قول داگلاس نورث «آدام اسمیت درست می گوید، همه دنبال منفعت شخصی می روند ولی آسان ترین راه برای به دست آوردن منفعت، رانت است». یک سیستم اقتصادی سالم، در درجه اول باید جلوی رانت جویی را بگیرد. کسانی که با حداقل دستمزد مخالفند، از اعوان و انصار سیستم رانت جوانه ای هستند که برای تامین منافع آینده خودشان، بیشتر از نوک بینی شان ران می بینند و آینده خودشان را به منافع کوچک کنونی می فروشند.

اینکه با استفاده از کارگرانی که به شدت استثمار می شوند، کالاهایی با کیفیت بسیار پایین تولید شود، موفقیت نیست. اینها فکر می کنند با استثمار مستقیم کارگران می توانند با دنیا رقابت بکنند در حالی که با استفاده از فناوری های نوین و ورود به اقتصاد دانش بنیان است که می توانند رقابتی شوند. در اقتصاد دانش بنیان هر کارگاه کوچکی می تواند توسعه پیدا کند و بزرگ شود و با نمونه های جهانی بدون هیچ مانعی رقابت کند و

از این طریق، به منافع اقتصادی دست پیدا کند. البته نهادهای لازم برای ورود به اقتصاد دانش بنیان در برنامه چهارم توسعه، تعبیه شد ولی برنامه چهارم به دلیل پوپولیسم حاکم در آن زمان، بدون تامین منافع کارگران، کنار گذاشته شد و در عمل نهادسازی دانش بنیان به چند آیین نامه و مصوبه محدود، تقلیل پیدا کرد. این تقلیل گرایی، در دولت کنونی نیز ادامه دارد. در واقع بعد از هدفمندسازی یارانه ها و بالا رفتن قیمت حامل های انرژی، هرگز شرکت های دانش بنیان موجود مورد حمایت قرار نگرفت و در عمل دیدیم که شرکت های دانش بنیان موجود، ورشکست شدند؛ از کارخانه ارج گرفته تا شرکت های مشابهی که باید برنامه های توسعه را در ایران سامان می دادند.

عامل دیگر، تشکیل محیط نوآوری در شهرها بود که مدیریت نهایی آن باید در شهرداری ها صورت می گرفت که این هم، عملی نشد. باید زیرساخت های نرم و سخت محیط نوآوری در دستور کار قرار می گرفت که نگرفت، در عوض همه اینها، طبقه مزدبگیر، در دستان یک عده منفعت طلب که آینده کل سیستم را فدای منافع آتی خود می کنند، اسیر شد و بی حقوق سازی طبقه کارگر در دستور کار قرار گرفت. همان موقعی که دولت ایران در دهه ۷۰، کارگاه های کوچک را از شمول قانون کار خارج کرد، دولت ژاپن شرکت های کوچک و متوسط را وارد نظام جامع تامین اجتماعی کرد. ژاپن آگاهانه این کار را انجام داد چرا که اقتصاد دانش بنیان برای شرکت های کوچک و متوسط یا SM ها متکی است اما ما روند معکوس ژاپنی ها را پیمویدیم و

این معکوس پیمایی، واقعاً مایه شرمساری ست! همه کسانی که بر موضوعاتی مثل بی حقوق سازی طبقه کارگر پافشاری می کنند، مقصر شکست ها هستند. اقتصاد دانش بنیان از آنجا که به دانش متکی ست نه به سرمایه و تکنولوژی خارجی، برای کشورهای جهان سوم مثل ما، یک فرصت بزرگ و تاریخی است چرا که «توسعه درونزا» را ممکن می سازد. در ابتدا سرمایه داری در اساس، «کار بر» بود و بر استثمار مستقیم نیروی کار متکی بود ولی در مرحله دوم که همان اقتصاد صنعتی پیشرفته یا سازمان یافته است، بر سرمایه و اتوماسیون متکی شد و استثمار غیرمستقیم نیروی کار در دستور کار قرار گرفت اما در مرحله سوم که همان اقتصاد دانش بنیان است، بر نیروی کار خلاق و نوآور و متکی ست و برای این نوآوری، سازماندهی می کند. وقتی بتوانی نیروی کار را اخلاق، پرورش بدهی دیگر به تکنولوژی به معنای ورود دستگاه های عجیب و غریب از کشورهای پیشرفته، متکی نیستی و این سازماندهی برای خلاقیت هست که توسعه درونزا و اقتصاد دانش بنیان را ممکن می کند. در عین حال این خطر وجود دارد که اگر وارد این دوران نشوی و زمینه سازی برای پرورش لازم نیروی کار فراهم نکنی، آن وقت همان کارخانه های موجود که با خون دل ساخته شده هم ورشکسته می شوند.

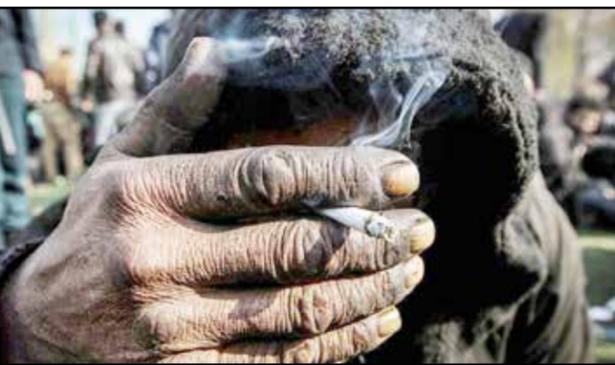
این همان اتفاقی ست که در پیش از یک دهه گذشته، کم و بیش، شاهدش بوده ایم. درست است؟

بله. شاهد بودیم که این کارخانه ها نمی توانند خوب کار کنند و نهایتاً در این بین صنایع مادر هم از بین می روند، چه رسد به صنایع کوچک تر که هیچ گونه حمایتی از آنها نمی شود. آن وقت از چه صناعی حمایت می شود؟ آنها که خصولتی یا خودی شده اند یعنی به صورت «تیول» سپرده شده اند و در اختیار افراد و جناح های خاصی درآمده اند. این مورد حمایت هم تولیدات بسیار عقب مانده ای دارند که حتی تکنولوژی شان از چند دهه قبل عقب تر است اما بی مضایقه از آنها حمایت می شود. این سیستم نا کار آمد به جای اینکه نا کار آمدی خود را اصلاح کند، تیشه به ریشه خودش هم می زند. نیروی کار را به ساده ترین کارها با مزد بسیار پایین وادار می کند به این بهانه که ما اینها را از فقر نجات می دهیم! نه اینها از فقر نجات نمی یابند. ممکن است منافع ظاهری زنان سرپرست خانوار در ابعاد بسیار کوچک و ناکافی تا

در ایران از صناعی حمایت می شود که خصولتی یا خودی شده اند یعنی به صورت «تیول» سپرده شده اند و در اختیار افراد و جناح های خاصی درآمده اند. این مورد حمایت ها هم تولیدات بسیار عقب مانده ای دارند که حتی تکنولوژی شان از چند دهه قبل عقب تر است

اندازه ای بر آورده شود اما در همان حال، فرزند تحصیل کرده همین زن سرپرست خانوار، بیکار شده یا اساساً شغلی پیدا نمی کند! باید سیستم دانشگاهی را نگاه کنید که کجای کار است. در یک اقتصاد دانش بنیان، سیستم دانشگاهی و آموزش های حرفه ای باید واجد حمایت های بالا و رایگان باشد اما در عوض می بینیم که آموزش به سمت «خصوصی سازی» می رود. مدارس را برای اینکه به قول خودشان «خود کفا» شوند، به جای اینکه فضای رایگان خلاقانه ای برای رشد مهیا کنند، به بخش تجاری واگذار می کنند. خصوصی سازی آموزش اصلاً در پارادایم تجارت قرار نمی گیرد چرا که شما اصلاً کالایی نمی سازی که اسم تجاری رویش بگذاری! لذا مشکلات بسیاری در اثر اینکه شما برنامه جامعی برای ورود به اقتصاد دانش بنیان ندارید، به وجود می آید. یک نکته دیگر، برای اینکه اقتصاد دانش بنیان بتواند رشد کند، بسندگی به شهرک های علم و فناوری کفایت نمی کند. باید توسعه دانش در محلات پایگیر و رشد کند.

یعنی همان تفکر نهادی که معتقد است همه چیز باید از پایین بجوشد و بالا بیاید؟ بله در واقع «محیط نوآوری» باید تشکیل شود نه «شهرک نوآوری». محیط نوآوری هم، از سرای محلات باید شروع شود یعنی مشابه همان کاری که در شهرک های فناوری می شود و غرفه هایی را به شرکت های دانش بنیان تخصصی می دهند، باید در سرای محلات انجام شود و دانش شروع به توسعه در محلات کند. مثل ورزش می ماند. شما ورزش را باید بنیانی توسعه بدهی نه اینکه بروی بگردی دنبال قلدیندها برای بسکتبال! باید در مدرسه و محله زمین بازی وجود داشته باشد تا این روند به شکل پیوسته رشد کند. هم سلامت اجتماعی تامین شود و هم بتوانید در عرصه جهانی ورزش رقابت کنی و گر نه با یک نفر قلدیند که نمی توان یک جریان پایدار و رقابت پذیر سلامت داشت!



تمام مناطق آزاد و ویژه را در بحث پیشگیری از اعتیاد آموزش دهیم این برنامه در حال انجام است اما مستلزم کار تحقیقاتی وسیع تری است و باید سایر مناطق آزاد نیز رصد شوند.

بالاترین میزان مصرف مواد مخدر به ترتیب تریاک، ترامادول، حشیش و شیرو تریاک در بین کارگران این منطقه بوده است.

در این منطقه گفت: این طرح به صورت مشترک با ستاد مبارزه با مواد مخدر اجرایی شده، پیش آن به اتمام رسیده و از سوی شورای دفتر تحقیقات ستاد آمارها اعلام خواهد شد اما فعلاً گفته اند محرمانه است.

وی افزود: در این برنامه ۲۱۹۱ نفر به صورت خوداظهاری در طرح شرکت کردند البته تست ادرار را نیز به آن اضافه کردیم چرا که اطلاعات متفاوتی به دست آمد.

معاون پیشگیری اداره کل امور اجتماعی وزارت رفاه گفت: براساس اطلاعات به دست آمده که هنوز داده ها به صورت خام است

که ۲۱ درصد از جمعیت کارگری، مصرف کننده بوده است به همین دلیل کار جدی تری را با ستاد مبارزه با مواد مخدر با عنوان طرح کاج اجرا کردیم و پس از آن در دو نوبت گزارش ها توسط ستاد و وزرای کشور و رفاه، خدمت مقام معظم رهبری منعکس شد.

معاون پیشگیری اداره کل امور اجتماعی وزارت رفاه گفت: برنامه راهبردی مواد مخدر در منطقه پارس رونمایی شده و گزارش عملکرد آن تدوین و شورای مستقلاً از بحث پیشگیری مواد مخدر در عسلویه ایجاد شده است. مدنی با محرمانه خواندن میزان شیوع اعتیاد

معاون پیشگیری اداره کل امور اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: طرح بررسی میزان شیوع اعتیاد در اماکن صنعتی و کارگاه ها در حال انجام است و نتایج نگران کننده ای از این طرح به دست آمده که نشان داد ۲۱ درصد جمعیت کارگری مصرف کننده مواد مخدر است.

به گزارش فارس، محمدحسین مدنی گفت: یکی از طرح هایی که وزارت رفاه آن را اجرا کرده بررسی شیوع اعتیاد در مناطق صنعتی است. وی ادامه داد: براساس بررسی های انجام شده نتایج نگران کننده ای به دست آمد طوری

شیوع اعتیاد در ۲۱ درصد از جامعه کارگری

یک مسئول ذی ربط خبر داد:

گزارش